

## ولسی جرگه و نقض قانون اساسی

به روز پنجشنبه ولسی جرگه وزیر خارجه و وزیر امور مهاجرین و عودت کنندهگان را به منظور پشتیبانی از اخراج مهاجران افغان بوسیله دولت جمهوری اسلامی ایران، مطابق به بند سوم ماده 92 قانون اساسی به استیضاح طلبیدند. حق استیضاح و استجواب مطابق قانون اساسی از صلاحیت پارلمان افغانستان است.

ولسی جرگه در یک حرکت عاجل، برق آسا و شتاب بیش از حد بدون بررسی و تدقیق و تعیین کمسیون ارزیاب پیرامون اجراءات وزیران، با رای عدم اعتماد وزیر عودت مهاجرین را با دادن 136 رای مخالف سلب اعتماد کرد، اما اعلام نتیجه در مورد وزیر خارجه با اخذ 124 رای مخالف یک رای مستتکف و یک رای مشکوک به جلسه روز شنبه 22 ثور موکول شد.

مطابق به عرف و تصامیم قبلی ولسی جرگه کارت هایی که به شکل نادرست خانه پوری می شده رای باطل اعلام می گردید. ولی این بار بر خلاف عرف و طرز العمل های قبلی رای مشکوک مورد بحث موافقین و مخالفین قرار گرفت زیرا تغییر روش پیرامون آن سرنوشت دکتر سینتا را به حیث وزیر خارجه رقم می زد. به روز شنبه 22 ثور ولسی جرگه به مشکل رای مشکوک مواجه شد و تصمیم گرفته شد که رای گیری بصورت مجدد صورت گیرد. رییس ولسی جرگه و هیات اداری با این تصمیم درک و فهم و توانمندی و عدم پختگی اعضای ولسی جرگه را از قانون اساسی و اصول و قواعد معمول حقوقی به نمایش گذاشت.

بند سوم ماده 92 قانون اساسی مشعر است "رای عدم اعتماد از وزیر باید صریح مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد"، اما جریان رای عدم اعتماد بطور واضح بیانگر نقض ماده 92 قانون اساسی بوده زیرا با گذاشتن صندوق نه تنها مستقیم و صریح مطابق روح و نص واضح ماده 92 نبوده، بلکه دادن رای سری و غیر علنی اعدام صورت گرفت. این عمل بطور واضح و آشکار در مخالفت با قانون اساسی است.

دوم این که نمایندگان محترم که به عدم رای اعتماد مبادرت نمودند باید دلایل موجه مبنی بر عدم اجراءات وزیر خارجه در حوزه کاری ایشان ارایه می کردند و پیشنهاد می کردند که وزیر خارجه در چارچوب مناسبات بین المللی چه باید می کرد؟ عدم بیان دلایل موجه نقض صریح و آشکار ماده 92 قانون اساسی از طرف پارلمان است.

سوم این که ره روز شنبه 22 ثور به تعداد 22 وکیل به نصاب ولسی جرگه اضافه شد. این 22 وکیل به روز پنجشنبه 20 ثور غایب بودند و در جریان پرسش و پاسخ وزیر خارجه پیرامون اجراءات و اقدامات دیپلماتیک آن وزارت قرار نداشتند پس چگونه به کدام مواد قانون برای خویش صلاحیت می دهند با در مورد موضوع که از آن اطلاع ندارند، اظهار رای و نظر دهی کنند.

به تمام این مسایل و پرسش و ده ها سوال دیگر ستره محکمه منحیث محکمه عالی در پرتو قانون اساسی، طرز العمل داخلی پارلمان، عرشف و پروسیجر های قبلی پارلمان در قضایایم شابه و صورت اجراءات کنونی پارلمان در رابطه به استیضاح، رسیده گن خواهد نمود. ستره محکمه نهاد با صلاحیت تفسیر قانون اساسی و سایر قوانین مدون است.

و در صورت اختلاف قوه اجرائیه و مقننه، ستره محکمه یگانه نهادی است که این اختلاف را در پرتو روشنی و وضاحت قانون اساسی مورد بررسی قرار می دهد. رای و تصمیم ستره محکمه مسلماً رای و تصمیم قضایی است تا سیاسی. و طرفین باید به این تصمیم سر تعظیم و اطاعت فرود آوردند.

همچنان تعداد زیاد حقوق دانان و متخصصین امور دیپلماتیک سوال می نمایند که از دید وکلا محترم وزیر خارجه به جز از ابراز دیپلماتیک کدام ابزار فشار دیگر است تا مانع تصمیم دولت ایران در رابطه با اخراج مهاجران می گردید و اگر چنین ابزار های فشار موجود است، کدام ها است؟

وزارت خارجه در حوزه صلاحیت و روابط و مناسبات بین‌المللی سفیر ایران مقیم کابل را به وزارت خارجه احضار و مراتب تاجر و احتجاج دولت افغانستان را اعلام نموده است. سفیر افغانستان مقیم تهران ورکه احتجاجیه وزارت خارجه را به مقامات وزارت امور خارجه ایران رسانید و خواهان قطع فوری اخراج مهاجران به این شیوه گردیده است. وزارت خارجه با کمیساریای ملل متحد در امور مهاجران تماس گرفته تا آنها مانع دولت ایران مطابق توافقات سه جانبه دولتی و کمیساریا ملل متحد گردند. محترم داکتر سپنتا با همتای ایرانی خویش تماس تلفنی گرفتند و از آنها خواهش جدی نمودند تا به قضیه مهاجران در پرتو مناسبات نیک و دوستانه که میان دو دولت همسایه وجود دارد توجه نمایند و همچنان خواهان تحقیق جدی به اساس توافقات سه جانبه توسط ایشان گردید.

رییس جمهور افغانستان نامه به احمدی‌نژاد رییس جمهور ایران تحریر نموده و خواهان اقدامات جدید از طرف گردیدند. این همه اقداماتی است که از مجرای دیپلماتیک در حوزه کاری وزارت امور خارج 8 صورت گرفته است.

این جا سوالی عرض وجود می‌کند که اگر وکلا محترم ولسی‌جرگه و رییس ولسی‌جرگه به حیث وزیر امور خارجه می‌بودند، به کدام ابزاری خارج از ابزار دیپلماتیک متوسل می‌گردیدند؟

آیا ولسی‌جرگه خواهان قطع روابط دیپلماتیک با دولت جمهوری اسلامی ایران را از وزارت امور خارجه افغانستان می‌طلبند؟

اگر چنین نظر وجود داشته باشد که ندارد قطع روابط دیپلماتیک از صلاحیت وزارت خارجه و حتی رییس جمهور مملکت نیز نبوده بلکه از صلاحیت پارلمان است و اگر چنین است پس چرا پارلمان به چنین عمل مبادرت نورزیده است؟ آیا پارلمان منحصی ارگان مظهر اراده ملت در حدود صلاحیت و مناسبات خویش چه اقداماتی را تا حال انجام داده است؟ آیا درک و فهم تمام نماینده‌گان ولسی‌جرگه از قانون اساسی همسان است؟

این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر است که باید ولسی‌جرگه برای ملت افغانستان پاسخ بدهد. ملت افغانستان و روشنفکران خواهان جواب قانونی ستره محکمه در رابطه به طرز‌العمل و قانونی بودن اجراءات ولسی‌جرگه می‌باشند.